

پیکارسک حلقه پیوند "سرگذشت حاجی بابای اصفهانی" و "سیاحت درویشی دروغین"

آذر دانشگر^۱

چکیده

"سرگذشت حاجی بابای اصفهانی" اثر معروف "جیمز موریه" و کتاب "سیاحت درویشی دروغین" از "آرمینیوس وامبری" از جهات بسیاری به هم شبیه‌اند. شباهت‌های دو اثر مربوط به ویژگی‌های نوعی از رمان اروپایی به نام پیکارسک است. بر این اساس نویسنده این مقاله با این فرض که حضور مؤلفه‌های پیکارسک حلقه ارتباط این دو اثر را محکم کرده است، به روشی تحلیلی در حوزه مطالعات تطبیقی بدون توجه به نظریه تأثیر، از زاویه رویکرد بینامتنی این ویژگی‌ها را در هر دو اثر بررسی نموده است. بررسی‌های حاصل از تحقیق نشان می‌دهد که عناصری همچون: سفر که در هر دو اثر تمام حوادث و وقایع را در خود جای داده است، توجه به مسائل اجتماعی و سیاسی و عادات و رسوم مردم جامعه، اتخاذ شیوه درویشی هر دو شخصیت اصلی، انتقاد از خرافات و جهل و تعصبات مذهبی و درویشان، حيله و فریب و شیادی، داشتن هوش و ذکاوت و زیرکی شخصیت در هر دو اثر و تکدی‌گری که از مؤلفه‌های پیکارسک به شمار می‌آیند، از ارتباط این دو متن سخن می‌گوید.

کلیدواژه‌ها: پیکارسک، سرگذشت حاجی بابای اصفهانی، سیاحت درویشی دروغین.

۱. استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی واحد کرج، دانشگاه آزاد اسلامی، کرج، ایران.

a.daneshgar2010@gmail.com

مقدمه

نوشتار پیش رو به بررسی تطبیقی دو اثر "سرگذشت حاجی بابای اصفهانی" نوشته "جیمز موریه" و "در خانات آسیای میانه" نوشته "آرمینیوس وامبری" پرداخته است و پیکارسک (Picaresque) را حلقه مشترک این دو رمان می‌داند. پیکارسک در حقیقت نوعی از ادبیات است که در آن معمولاً شخصیت اصلی رمان‌ها اشخاص دغل و فریبکاری هستند که از دید خود به روایت داستان می‌پردازند. همچنین موضوع پیکارسک بر محور گریزها و ماجراهای زندگی چنین شخصیت‌هایی دور می‌زند.

نویسنده رمان *سرگذشت حاجی بابای اصفهانی*، جیمز موریه در از میر عثمانی متولد شد. موریه در سال ۱۸۰۷م. با *هاروارد جونز* در استانبول آشنا شد و از آن پس به راه دیپلمات‌ها پیوست. در فوریه ۱۸۰۹ به همراه جونز به تهران آمد و پس از آن که جونز موفق شد معاهده‌ای مقدماتی در جهت گسترش روابط نظامی و تجاری با دربار فتحعلی شاه منعقد کند، موریه مأمور گردید تا این معاهده را به انگلستان ببرد. میرزا ابوالحسن خان که در دو رمان موریه نقش مهمی دارد به‌عنوان ایلچی و سفیر فوق‌العاده دربار ایران وی را در سفر به انگلستان همراهی کرد. آن‌گونه که شواهد نشان می‌دهد موریه از لحظه ورود ایلچی به انگلستان تا زمان خروج وی یادداشت‌هایی درباره وی گردآوری می‌کرد و بعدها از این یادداشت‌ها برای نوشتن حاجی‌بابا در لندن بهره جست. موریه پنج سال در ایران اقامت کرد و حدود چهارده ماه سرپرستی سفارت انگلستان را بر عهده داشت. (بویانی، ۱۳۸۷: ۹-۱۰) از آثار مهم جیمز موریه *سرگذشت حاجی بابای اصفهانی* است که در سال ۱۸۲۴ میلادی نگاشته شده است. موریه برای نوشتن این داستان از یادداشت‌ها یا اثر ناتمام یک نویسنده ایرانی استفاده کرده است. این فرضی است که هیچ‌کس به‌اندازه *میرزا حبیب اصفهانی* آن را جدی نگرفت. *میرزا حبیب اصفهانی* اصلش از روستای بن از توابع چهارمحال بختیاری است که در چهل کیلومتری شهرکرد قرار دارد. *میرزا تحصیلات* مقدماتی را در زادگاهش به پایان برد و ظاهراً به‌قصد ادامه تحصیل به تهران و بغداد سفر کرد. گفته‌اند که در بغداد ادبیات فقه و اصول و چند زبان آموخته بود و به محفل‌های بابی مسلکان فراری و تبعیدی و ناراضیان سیاسی آمدورفت داشته است (آرین‌پور، ۱۳۸۷، ج ۱:

۳۹۵). میرزا حبیب پس از بازگشت به تهران، با روشنفکران و به‌ویژه با میرزا ملکم خان ناظم‌الدوله حشرونشر داشت. از آنجاکه وی در حق سپه‌سالار محمدخان صدراعظم هجو ساخته بود، قصد آزار وی را داشتند در نتیجه قبل از اقدام دشمن در سال ۱۲۸۳ ه.ق به آسیای صغیر گریخت. میرزا حبیب حدود سی سال بازمانده عمر خود را در استانبول از راه خدمت در وزارت معارف عثمانی، تدریس در معلم خانه ایرانیان و مراکز دیگر گذراند (پیرزاده نائینی، ۱۳۴۲: ۹۶). استانبول در آن زمان از فعال‌ترین شهرهای اسلامی بود که در اخذ تمدن اروپایی و تشکیل نهادهای مدنی از مهم‌ترین مراکز تجمع ایرانیان دگراندیش، ناراضی و مخالف دولت و محل جراید مختلف بود. میرزا حبیب در استانبول به محافل تجددخواهان رفت‌وآمد داشت و از طریق آن‌ها با فرهنگ و تمدن غربی آشنا شد (ادمیت، ۱۳۵۷: ۲۲). میرزا در سال‌هایی که در استانبول بود به میرزا حبیب ادیب، میرزا حبیب مترجم و میرزا حبیب رمان‌نویس تبدیل شد. میرزا حبیب در آستانه شصت‌سالگی به بیماری سختی مبتلا شد و به شهر بورسه ترکیه رفت و در همان‌جا درگذشت. آثار وی شامل: "دستور سخن" (۱۲۸۹ استانبول)، "دبستان فارسی" (۱۳۰۸ استانبول)، "خلاصه راهنمای فارسی" (۱۳۰۹ استانبول)، "رهبر فارسی" (۱۳۱۰ استانبول) "راهنمای فارسی" (۱۳۱۲ استانبول)، "خط و خطاطان" (۱۳۰۵ استانبول) به چاپ رسیده‌اند. ترجمه رمان‌هایی از جمله: "سرگذشت حاجی بابای اصفهانی" اثر جیمز موریه، "سرگذشت ژیل بلاس" اثر "لوساژ" و "گزارش مردم‌گریز" ترجمه منظوم از "مولیر" از دیگر آثار اوست.

نویسندهٔ رمان "سیاحت درویشی دروغین در خانات آسیای میانه" آرمینیوس وامبری است که به نام آرمین وامبری شهره است. وی نوزدهم مارس ۱۸۳۲ م. در مجارستان در یک خانواده فقیر یهودی به دنیا آمد. در یک‌سالگی پدرش را از دست داد. در دوازده‌سالگی استعداد شگرف خود را در یادگیری زبان‌های مختلف نشان داد. وی همان زمان به دلیل تنگدستی مجبور به ترک تحصیل شد. وامبری با تدریس خصوصی به پسر کدخدای ده دوباره به مدرسه و تحصیل بازگشت. از همان زمان دل‌بسته فرهنگ ترک و عثمانی شد و با ترجمه‌های فراوانی که داشت عضو فرهنگستان مجارستان شد. در سال ۱۸۶۱ در لباس یک درویش سنی و با نام جعلی رشید افندی از طریق دریای سیاه به ایران رفت و پس از اقامتی در تهران و تبریز و زنجان و اصفهان و شیراز عازم حج شد.

سپس با گروهی از درویشان به بلخ و سمرقند و بخارا رفت و به تحقیق و نگارش پرداخت. آثار وامبری دربارهٔ زبان، فرهنگ، تاریخ، جغرافیا و سیاست در شرق بسیار متنوع و گسترده است.

کتاب سیاحت درویشی دروغین در خانات و آسیای میانه در سال ۱۳۴۳ توسط بنگاه ترجمه و نشر کتاب و با ترجمه فتحعلی خواجه نوریان منتشر شد. این کتاب شرحی است بر زندگی یک شرق‌شناس اروپایی که سال‌هایی از عمر خود را با نام و لباس مبدل در مناطق مختلف شرقی سفر و زندگی کرد و به پژوهش و نگارش موضوعات مختلف درباره آن مناطق پرداخت. وامبری یکی از پررمز و رازترین پژوهشگران، جاسوسان و جهانگردان اروپایی متخصص در شرق نزدیک، ایران، ترکیه و آسیای مرکزی است (تفرشی، ۱۳۹۲).

در این مقاله پس از تعریف و تبیین تئوری‌های رمان پیکارسک به بررسی مؤلفه‌های مشترک پیکارسک در این دو اثر اشاره شده است؛ که اجزای اصلی حلقهٔ اتصال این رمان‌ها سفرنامه‌هایی واقعی است که شخصیت اصلی با فریب و حيله هویت خود را در پوششی درویش‌گونه مخفی کرده است تا راحت‌تر از اسرار و پیچیدگی‌های زندگی مردم آگاه شود.

بیان مسئله و روش تحقیق

مقالهٔ پیش رو سعی در بازنمایی پیوند بین دو رمان حاجی بابای اصفهانی و سیاحت درویشی دروغین دارد؛ که در سبک نوشتاری پیکارسک در هر دو رمان، نمایان شده است. حضور مؤلفه‌های پیکارسک در رمان‌های مذکور، حلقه‌های پیوند این دو رمان را محکم کرده است. هدف این مقاله، بررسی مؤلفه‌های پیکارسک در هر دو رمان است.

روش تحقیق در این مقاله نظری و به صورت تحلیلی - تطبیقی است؛ به این صورت که نویسندگان ضمن معرفی نویسندگان دو رمان مزبور و بیان تاریخچه و سبک رمان پیکارسک به بررسی مؤلفه‌های پیکارسک از جمله: مؤلفهٔ سفر، واقع‌گرایی، تظاهر و فریب، خرافات و مذهب، هجو و انتقاد، هوش و ذکاوت، درویشی و تکدی‌گری، پرداخته است و ضمن بررسی و تحلیل این مؤلفه‌ها در دو رمان حاجی بابای اصفهانی و سیاحت درویشی دروغین به مقایسه و تطبیق آن‌ها روی آورده است؛ بنابراین حوزهٔ تحقیق پیش رو، از نوع ادبیات تطبیقی است که یکی از کهن‌ترین حوزه‌های تحقیقات ادبی است و در آن به مقایسهٔ

آثار ادبی از دو ملیت متفاوت، پرداخته می‌شود. این حوزه که از ابتدا تا امروز، نگاه خود را نسبت به آثار گوناگون از ملیت‌های گوناگون مورد بازبینی قرار داده؛ در گذشتهٔ نه‌چندان دور با این نیت به تطبیق آثار ادبی می‌پرداخت که از تأثیر یکی بر دیگری سخن گوید و در واقع یکی را معیار قرار دهد؛ اما امروزه تحت تأثیر نظریه‌های گوناگونی از جمله: نظریهٔ بینامتنی، به موضوع شباهت‌های متون از زاویهٔ دیگری می‌نگرد نه از نگاه تأثیر و تأثر. از سوی دیگر، تحت تأثیر نظریهٔ مهاجرت و تأثیر آن در مفهوم هویت ملی، دگرگونی‌هایی در حوزهٔ ادبیات و مطالعات تطبیقی، ایجاد شده است که به‌خصوص در این مورد، تأکید بر هویت ملی جای خود را به هویت جهانی داده است. بر این اساس مطالعات تطبیقی برخلاف گذشته که در تطبیق آثار ادبی یا به دنبال نفی مطلق دیگری و یا تشابه بی‌چون‌وچرا بود، اکنون در پی دعوت «دیگری» به خود است. به‌این‌ترتیب، خواندن هر متنی، وابسته به دیگری می‌شود (نجومیان، ۱۳۹۱: ۱۲۰). حوزهٔ مطالعات تطبیقی نیز مثل بسیاری از حوزه‌های دیگر از جمله حوزه‌های فرهنگی، در فرایند جهانی‌سازی به‌ویژه تحت تأثیر ادبیات مهاجرت، از قلمرو مرزهای جغرافیایی گذشته و محققان، تحقیقات خود را در این حوزه، در فضایی سوگیرانه متمرکز نمی‌کنند و به‌هیچ‌وجه ادبیات خود را، ادبیات معیار، تعریف نمی‌کنند. با این دیدگاه، در نتیجهٔ تفکر فراتر رفتن از قطعیت مرزهای جغرافیایی و زبانی و ملی، نظریهٔ تأثیر، کارکرد خود را از دست داده است و به‌هیچ‌وجه در مطالعات تطبیقی، دیگر تأکید بر نشان دادن متن اصل و معیار، وجود ندارد تا بر اساس آن، متن دیگری، نسخهٔ وفاداری باشد یا خیر؟ بلکه، آنچه مورد توجه محققین این حوزه قرار گرفته است، ارتباط بین متون است. همچنان که این پژوهش نیز بر آن است. تا از ارتباط این دو رمان سخن گوید. در این رویکرد، هنگام خواندن هر متنی، همواره آن متن را در ارتباط با تمام متون دیگری که خوانده شده، تفسیر می‌کنیم. «به این تعبیر، متون درهم‌تنیده شده‌اند و همواره به هم مدیون‌اند. هر متن دربارهٔ متون دیگر سخن می‌گوید و متون به هم وابسته‌اند» (نجومیان، ۱۳۹۱: ۱۳۲). در این دیدگاه که تحت نام رویکرد بینامتنی، شناخته شده است، تمام متون با هم در ارتباط‌اند. از زاویهٔ رویکرد بینامتنی، محقق در تلاش برای اثبات تأثیر یک متن بر دیگری نیست؛ بلکه، این تلاش، بیان‌کنندهٔ قرار گرفتن متون در زنجیره‌ای به‌هم‌پیوسته است؛ و قصد دارد ثابت کند که هرگز هیچ متنی، مستقل نیست. به عبارتی، درک هر متنی

به ارتباط آن متن با متونی که قبلاً خوانده شده، بستگی دارد؛ با این تعبیر، پای نظریه گفت‌وگومندی میخائیل باختین (Mikhail Bakhtin) به میان می‌آید. باختین معتقد بود هیچ متنی مستقل از دیگری نیست و هر متن با متون پیش از خود در گفتگو است؛ بنابراین، با این توضیحات، مؤلف در این مقاله، در حوزه ادبیات تطبیقی نوین گام برداشته و تلاش کرده با هم‌سنجی نظام نشانه‌ای تکرارشونده که در این دو رمان، منطبق با ساختار رمان پیکارسک است، از گفتگوی بین آن‌ها سخن گوید.

پیشینه تحقیق

در حوزه نظری، پژوهش‌های متعددی درباره پیکارسک صورت گرفته است. از مهم‌ترین پژوهش‌هایی که در زمینه رمان پیکارسک انجام شده است. می‌توان به کتاب‌های پیکارسک اثر هری سیبری (Harry Siberi) رمان پیکارسک در اروپا و اسپانیا از ۱۵۹۹ تا ۱۷۵۳ م. تألیف پارکر (Parker)، تاریخ رمان پیکارسک در اسپانیا از فانگر دهان (Fanger De Haan) و رمان پیکارسک در اسپانیا اثر چندلر (Chandler) اشاره کرد. درباره پیکارسک مقالاتی نه‌چندان زیاد نوشته شده است و همچنین مقالاتی به صورت مجزا درباره آثار موریه و تحلیل سیاحت درویشی دروغین نگاشته شده است؛ که می‌توان به چند نمونه از این مقالات اشاره کرد: مقاله "بررسی عناصر پیکارسک در آثار چارلز دیکنز" (۱۳۹۴) نوشته "محسن رضایی و همکاران"؛ و یا مقاله "عناصر بینامتنیت در روایات پیکارسک" (۱۳۹۴) نوشته "عنایت‌الله شریف‌پور و همکارانش"؛ همچنین "پیشینه مقایسه طنز در رمان سرگذشت حاجی بابای اصفهانی اثر جیمز موریه و ترجمه آن" (۱۳۹۱) نوشته "منصور/فضلی و جواد دهقانان" و از مقالات و جستارهایی دیگر که درباره آثار جیمز موریه و رمان سیاحت درویشی دروغین نگاشته شده است. در هیچ‌کدام از تحقیقات فوق بررسی و تحقیق دو رمان مذکور، همراه با مؤلفه‌های پیکارسک صورت نگرفته است.

بحث و بررسی

الف. تعریف

پیکارسک در لغت به معنی «وابسته به اراذل و اوپاش، شخص اوپاش و آدم رذل آمده است» (آریانپور، ۱۳۷۴: ج ۲، ۱۶۱۶) و در اصطلاح ادبی، نوعی ادبیات داستانی است که «در قرن شانزدهم میلادی در اسپانیا، پدید آمد. پیکارو در اسپانیایی و معادل آن، پیکارون در انگلیسی، به معنی آدم دغل‌باز و دودوزه‌باز و نانجیب است. شخصیت اصلی در این روایت، معمولاً آدمی بی‌هویت، آواره و درعین حال زیرک است که به‌ندرت دستخوش تغییر می‌شود. این قالب روایتی، شیوهٔ واقع‌گرایانه را دنبال می‌کند و ساختمان آن از حوادث مستقل و متعددی ترکیب شده است. تنها نقطهٔ اتصال این حوادث، آن است که همه برای شخص واحدی رخ می‌دهد. نویسندهٔ روایت پیکارسک، دیدگاهی طنزآلود نسبت به جامعه و اجتماع دارد» (داد، ۱۳۷۸: ۱۵۳). هری سبیر به نقل از کتاب "دربارهٔ رمان پیکارسک" از فرانک وادلی چندلر چنین توصیفی از پیکارو به دست می‌دهد: «در رمان پیکارسک اسپانیایی یک قلاش توصیف و ماجراهایش نقل می‌شود. او از والدینی تهیدست و غیرآبرومند زاده شده که غالباً برای تقدیس پیوندشان زحمت تشریفات به خود نمی‌دهند و از میلاد او نیز چندان خوشنود نیستند؛ به هر دوزوکلکی که شده بزرگ می‌شود. این قلاش یا با عشق فطری به اموال دیگران به دنیا می‌آید، یا معصوم است و به ضرب روزگار یاد می‌گیرد که باید گلیم خود را از آب بیرون بکشد و گرنه کلاهش پس معرکه است. در هر دو صورت نتیجه یکی است؛ برای اینکه زنده بماند باید به خدمت کسی درآید و درمی‌یابد که باید دسترنج خدماتش را با عواید قلاشانه‌ای چرب‌تر کند. برای همین از این ارباب به سراغ ارباب بعدی می‌رود. در این خدمتگزاری سر همه‌شان کلاه می‌گذارد و در روایت خود آن‌ها را وصف و هجو می‌کند. سرانجام وقتی انواع و اقسام ناملایمات را پشت سر گذاشت و با محک قلاشانه‌اش بی‌اعتباری مال و مقام آدمی را سنجید، داستان خود را به پایان می‌برد» (سبیر، ۱۳۱۹: ۴-۵).

ب. رمان پیکارسک

رمان پیکارسک، نخستین بار در سال ۱۵۵۴ میلادی و با نام کامل «داستان زندگی لازاریوی ترمسی و شرح کامیابی‌ها و نامرادی‌هایش» توسط یک نویسندهٔ گمنام در اسپانیا، انتشار یافت (بی‌نام، ۱۳۹۱: ۸-۹). این رمان با نام "زندگی لازاریوی ترمسی" و یا با نام

دیگر "عصاکش ترمسی" نخستین رمان به گونهٔ پیکارسک بود که در اسپانیا نوشته شد (داد، ۱۳۷۸: ۱۵۳). لازاریو که پدری دزد و مادری با نابسامانی‌های اخلاقی دارد در آسیایی بر رود ترمس به دنیا می‌آید، وقتی پدرش می‌میرد و مادرش دیگر قادر به نگهداری از او نیست به خواست مادرش به خدمت گدای نابینایی به نام ترمس درمی‌آید و خانه را ترک می‌کند. بی‌رحمی‌های این گدای نابینا با او به او یاد می‌دهد که چگونه گلیم خودش را از آب بیرون بکشد. همراهی با این رمان به مخاطب نشان می‌دهد که چگونه ساده‌دلی و صافی کودکی در برخورد با رسم و راه جهان، تغییر می‌کند و چگونه گرسنگی و فقر و ترس از آن، او را به دروغ‌گویی زیرک و دغل‌بازی حرفه‌ای، تبدیل می‌کند. با نگاهی دیگر به فریبکاری‌های لازاریو در این رمان، مخاطب درمی‌یابد که درواقع او قصد دارد پرده از کاستی‌های جامعه و اخلاقیات فاسد آن زمان بردارد. زندگی لازاریو، زندگی پسری است که ریاکاران و دزدان جامعه به او راه و رسم ریاکاری و دغل می‌آموزند (بی‌نام، ۱۳۹۱: ۱۱۷-۱۱۸).

یکی دیگر از رمان‌هایی که به شیوهٔ پیکارسک نوشته شده است رمان حاجی بابای اصفهانی اثر جیمز موریه است که در سال ۱۸۲۴ میلادی در لندن منتشر شد و میرزا حبیب اصفهانی آن را به فارسی ترجمه کرد. این رمان را به‌شدت متأثر از رمان مشهور "ال ن ژنه لوساز فرانسوی" (۱۶۶۸-۱۷۴۷) به نام "زویل بلاس" می‌دانند که آن‌هم به شیوهٔ پیکارسک نوشته شده است و توسط میرزا حبیب اصفهانی به فارسی برگردانده شده است. زندگانی "زویل بلاس" شامل روایت ماجراهای او با اربابان گوناگون است. به‌این ترتیب، او به لایه‌های بسیاری از جامعه نفوذ می‌کند؛ از راهزنان گرفته تا اشراف؛ بنابراین لازم می‌بیند که خاستگاه خود را پنهان و تبار خود را انکار کند؛

«باری چنان کَلهٔ پرباد و غیور شده بودم که نه دیگر پدرم مهتر طویله بود و نه مادرم پرستار قبيله. افسوس، افسوس، ای بیچاره مهتر! و ای بی‌نوا پرستار! نمی‌دانم در چه روزید و در چه حال. آنچه به خاطر نمی‌آمد این بود آری، خواص در خانه یکی این است که از خویشان و دوستان، ناخوشی نسیان می‌آورد. این بود که هیچ به یاد پدر و مادرم نبودم» (ژنه لوساز، ۱۳۷۷: ۵۱۲).

«حاجی‌بابا هم مثل ژویل بلاس در فصل اول داستان شرح‌حال مختصری از دوران

کودکی‌اش می‌دهد که چگونه خانهٔ پدری و زادبومش را ترک می‌کند و رهسپار سفر می‌شود و مانند ژیل بلاس در راه سفر به تور راهزنان می‌افتد و اسیر دست آن‌ها می‌شود. حاجی‌بابا هم مثل ژیل بلاس، ناچار می‌شود که با راه زنان روابط دوستانه‌ای برقرار کند و با آن‌ها به دزدی رود. حاجی‌بابا هم مثل ژیل بلاس در یک فرصت مناسب، خودش را از دست دزدان نجات می‌دهد و دستیار حکیمی می‌شود، طبابت می‌کند و به مقامات عالی می‌رسد» (موریه، ۱۳۹۳: ۵۰). داستان کوتاه "درد دل ملا قربانعلی" "جمال‌زاده" نیز از دیگر داستان‌هایی است که شباهت بسیاری با رمان پیکارسک دارد: سرگذشت و اصل و نسب قهرمان، دوران شاگردی و سرنوشت او در پایان از نوع پیکارسک است. به‌علاوه، قهرمان داستان پیکارسک که پیکارو نامیده می‌شود در واقع یک ضدقهرمان کامل است که موقتاً با حيله‌ها و وسیله‌های گوناگون مدارج ترقی را در جامعه طی می‌کند ولی سرانجام از سوی همان جامعه طرد می‌شود. "ملا قربانعلی" نیز چهرهٔ یک ضدقهرمان را دارد. اگر روضه-خون می‌شود بیشتر از راه مکر و فریب است تا به دلیل لیاقت؛

«راست است که سواد درستی نداشتیم اما از صدقهٔ سرآل عبا یاد و هوش خوبی داشتیم، همین‌که یک مجلس را یک‌بار دوبار می‌شنیدم یاد می‌گرفتم» (جمال‌زاده، ۱۳۷۸: ۳۲).

"رجل سیاسی" "جمال‌زاده" نیز که در سال ۱۳۳۶ هجری قمری در برلن نوشته شده است با اینکه عنصر سفر را ندارد اما نشانه‌های بسیاری از رمان پیکارسک را در بردارد. از جمله مهم‌ترین نشانه آن که مانند حاجی‌بابا و ژیل بلاس ترقی اجتماعی شخصی است تهیدستی به نام شیخ جعفر است که از راه مکر و حيله روزگار می‌گذراند (همان: ۴۵-۶۳).

پ. مؤلفه‌های پیکارسک در دو اثر مورد بحث

پ. ۱. واقع‌گرایی

یکی از مؤلفه‌های مهم رمان‌های پیکارسک واقع‌گرایی آن‌هاست. واقع‌گرایی در رمان-های پیکارسک بدین معناست که جزئیات بسیار ریز داستان، صادقانه در اختیار خواننده گذاشته می‌شود و لحن روایت آن کاملاً رک و صریح است و حوادث شرح داده‌شده، در ارتباط با زندگی افراد سطح پایین اجتماع است. به همین دلیل است که مورخان اصرار فراوان دارند بر این که روایات پیکارسک را سندی اجتماعی ارزیابی کنند که به ادعای

آن‌ها درجات گوناگون واقعیت عصر پیش از افول سیاسی و اقتصادی اسپانیا را باز تولید می‌کند (ویکز، ۱۹۷۴: ۲۴۶). بررسی دو رمان سرگذشت حاجی بابای اصفهانی و سیاحت درویشی دروغین نشان داد که این دو نویسنده سعی در بازنمایی زندگی عادی مردم از منظر تفکر و اندیشه و زاویه دید خود دارند. برای نمونه در رمان حاجی بابای اصفهانی آمده است: «تقسیم اسرا از یک جهت به خیر ما شد که من و عثمان آغا با هم به حصهٔ ترکمانی دیو پیکر افتادیم که ذکر خیرش رفت. اسم این مرد ارسلان سلطان و سرور اولین قبیله‌ای بود که در فرود آمدن از کوه به آن رسیدیم. چادرهای آن قبیله در میان دره‌ای عمیق، بر کنار آب روان و از کوه‌های اطراف آب‌ها به آنجا ریزان و سرپای چراگاه‌ها از گاو و گوسفند و سایر مواشی مالا مال بود» (موریه، ۱۳۹۳: ۲۶). موریه در حاجی بابای اصفهانی به جزئیات رویدادها اشاره کرده است. در رمان سیاحت درویشی دروغین نیز اوضاع به همین منوال است. وامبری در کسوت درویشی دروغین به هرکجا رفته است همه وقایع را با جزئیات، صریح و رک بازگو کرده است. به‌عنوان نمونه وقتی وارد بخارا می‌شود آن‌جا را این‌گونه توصیف می‌کند: «پس از عبور از صحرای آسیای میانه شهر بخارا با وجود نواقصی که دارد باز از خیلی جهات پایتخت بزرگی به نظر می‌آید. حال دیگر در هر نوبت غذا نان عالی و گوشت آب پز و چای و انواع میوه و غیره در سر سفره برایم مهیا بود. دو عدد پیراهن برای خود فراهم کرده بودم و از سرگرفتن زندگی متمدن چنان به مذاقم شیرین آمده بود که وقتی از طرف رفقا اعلام حرکت داده شد حقیقتاً دچار تأسف و اندوه شدم» (وامبری، ۱۳۸۷: ۲۵۷). وامبری در سفر سمرقند هنگامی که امیر را ملاقات می‌کند با جزئیات می‌نویسد: «سن او چهل و دو سال است و قامتی متوسط و ظاهراً تمایل به چاقی دارد. چشم‌هایش مشکی و قشنگ و ریش‌هایش تنک و روی هم‌رفته قیافه‌اش بسیار دل‌پسند می‌باشد. قبل از آن‌که به تخت جلوس کند مدت یک سال در قارشی (نخشب) و هجده سال در قرمینه (میان کال) حکومت می‌کرده است. طبیعت ملایم و مهربانش او را مقبول عامه ساخته» (همان: ۲۵۲).

پ. ۲. سفر

از دیگر مؤلفه‌های اصلی و اساسی ساختار رمان‌های پیکارسک، سفر است.

قهرمان‌های این‌گونه داستان‌ها مدام در حال سفر هستند و با رویدادها و وقایع گوناگونی روبرو می‌شوند که آن‌ها را بازگو می‌کنند. در هر دو رمان سرگذشت حاجی بابای اصفهانی و سیاحت درویشی دروغین، بن‌مایه اصلی و محوری سفر است. شخصیت حاجی بابای اصفهانی پای در سفر می‌گذارد و وقایعی را که می‌بیند بازگو می‌کند. اولین سفر حاجی‌بابا با اسیر شدن او به دست ترکمانان آغاز می‌شود (موریه، ۱۳۹۳: ۲۰). به دست ترکمانان اسیر می‌شود و سپس بعد از خلاصی از اسارت به مشهد و تهران می‌رود؛ بعدها به اصفهان می‌رود و در حین ورود وی به اصفهان پدرش فوت می‌کند. بعد از آن به بغداد رفته و سپس خیال رفتن به استانبول کرد. او در کل سفرهایش هر اتفاقی را که می‌افتد با اغراق بیان می‌کند.

همچنین وامبری در ساحت یک جاسوس خود را مانند درویشی دروغین درمی‌آورد و پای در سفری سخت می‌گذارد و تمام وقایع سفرش را با جزئیات کامل بیان می‌کند. نویسنده درجایی می‌نویسد: «نخست به قسطنطنیه رهسپار شدم. اقامت چندین ساله در میان خانواده‌های ترک و بازدیدهای پی‌درپی از آموزشگاه‌ها و کتابخانه‌های اسلامی به‌زودی مرا به یک ترک حقیقی و حتی می‌توانم بگویم به یک افندی تبدیل کرد. سپس به آسیای میانه سفر کردم با همان هیأت افندی» (وامبری، ۱۳۸۷: ۱۲).

پ. ۳. هجو و انتقاد

هجو و انتقاد یکی از مؤلفه‌های رمان پیکار سک است. میرصادقی در این مورد می‌نویسد: «شخصیت اصلی رمان پیکار سک، با گروه‌ها و طبقه‌های مختلف جامعه معاشرت می‌کند و در زندگی آواره خود با همه سنخ آدمی روبه‌رو می‌شود و همه را هجو می‌کند» (میرصادقی، ۱۳۷۷: ۱). همان‌طور که بیان شد شخصیت اصلی در چنین رمان‌هایی در نتیجه حشرونشر با مردم و طبقات مختلف از دنائت و ضعف‌های اخلاقی آن‌ها، آگاه می‌گردد. به عبارتی «خدمت کردن پیکارو به اربابان مختلف، بستر ساز و زمینه‌ساز این هجوهاست و پیکارو با این امتیاز که با افراد طبقات مختلف سروکار دارد، این امکان را در اختیار نویسنده می‌گذارد تا به هجو و تمسخر جامعه پردازد» (شریف‌پور و همکاران، ۱۳۹۴: ۱۶۰).

مهم رمان‌های پیکارسک می‌داند و می‌نویسد: «شخصیت اصلی رمان پیکارسک با سادگی و کارهای فروتنانه‌اش به طبقات گوناگون خدمت می‌کند و سرانجام کم‌کم به دنائت و ضعف‌های اخلاقی آن‌ها پی می‌برد. رمان پیکارسک نیز از همین مسائل استفاده کرده، قالب‌ها، نقش اجتماعی و همچنین امتیازهای قومی و نژادی را به هجو می‌کشد» (سلیمانی، ۱۳۶۶: ۲۲). هری سبیر نیز معتقد است که «رمان‌های پیکارسک به خاطر تکنیک هجوآمیزشان مورد توجه واقع شده‌اند» (سبیر، ۱۳۸۹: ۶۶). قهرمانان دو رمان حاجی بابای اصفهانی و سیاحت درویشی دروغین نیز در خلال توصیف آداب و رسوم و عادات جامعه در پیرامون خود به انتقاد از فسادهای اخلاقی طبقات مختلف جامعه می‌پردازند و آنان را هجو می‌کنند. موریه در جایی از رمان سرگذشت حاجی بابای اصفهانی ملاها را با هجو به انتقاد می‌گیرد «برو گم شو، پدر سوخته! هر چه می‌خواهی باش! پدرت را می‌سوزانم، سرت را می‌برم. خب، ملا هم باشی، باش! ملایان همه توانگرند، مال مردم را همه آنان می‌خورند» (موریه، ۱۳۹۳: ۴۰) و یا در جایی دیگر از رمان با هجو به انتقاد از درویشان می‌پردازد «ای یار، اعتقاد تو در حق درویشان بیش از آن است که می‌باشند. درویشی را چندان مایه لازم نیست. مایهٔ اصلی درویشی که ما داریم گستاخی و بی‌شرمی است. با پنجاه‌یک این هنر که تو داری، اگر اندکی گستاخی و بی‌شرمی بیفزایی، به گردن من، که مرشد کل و مالک مال و منال همهٔ مردم می‌شوی. من با گستاخی و بی‌شرمی چه‌ها که نکردم! نبوت نمودم، معجزه نمودم، مرده زنده کردم، از لذایذ دنیوی چیزی برجا نگذاشتم...» (همان: ۶۰). وامبری نیز در سیاحت درویشی دروغین، جهل و نادانی مردم را به سخره گرفته و در جای‌جای رمان با زبان طنز یا هجو به انتقاد آن برخاسته است. در جایی از رمان با ورودش به منطقه‌ای نقش درویشی دروغین را بازی می‌کند و مردم را با کراماتش فریب می‌دهد، وقتی در هنگام بازگشت مردمی را می‌بیند که چگونه با تعصب و با حرارت او را مشایعت می‌کنند با تمسخر چنین می‌نویسد: «چندین نفر از متعصبین که حرارتشان به منتهای درجه رسیده تا نیم فرسخ از شهر گذشته به دنبال ما دویدند. در حقیقت برای رفتن ما زاری می‌کردند که از روی یأس می‌گفتند دیگر از کجا معلوم که هرگز به شهر ما چنین اقبالی رو آورد که عده‌ای به این زیادی از اشخاص مقدس و معصوم را در چهاردیواری خود پذیرایی کنند؟» (وامبری، ۱۳۸۷: ۲۰۱) و یا وقتی مردم بخارا را در حلقه‌های معروف آن‌ها می‌بیند که

مقدس‌نما و چهارزانو دور هم می‌نشینند تا محو جلال و عظمت و جلال پیغمبر و بی‌ثباتی زندگی بشری بشوند این‌گونه آن‌ها را هجو می‌گوید: «این اشخاص به قدری در راه ایمان پیشرفت کرده‌اند که حتی در حال خرخر کردن هم به فکر خدا و زندگی جاویدان می‌باشند» (همان: ۲۴۹-۲۵۰).

در رمان سرگذشت حاجی بابای اصفهانی، قهرمان داستان برای برداشتن پولی که سهم او نیست می‌گوید: «خلاصه، عاقبت بر این قرار دادم که اگر خدا می‌خواست این نقد در دست او باشد، چرا چنین می‌کرد که به دست من افتد؟» (موریه، ۱۳۹۳: ۳۲) همچنین وامبری در سیاحت درویشی دروغین نیز به اعتقاد شرقی‌ها به قسمت و تقدیر اشاره کرده است. در قسمتی از کتاب می‌گوید: «عجله بی‌معنی فایده ندارد و نباید با تقدیر مخالفت نمود و تو بی‌جهت شتاب می‌کنی و باید آن‌قدر در سواحل رود گرگان بمانی تا نصیب (قسمت) رفع تشنگی ترا به‌جای دیگر حواله کند» (وامبری، ۱۳۸۷: ۹۶). او در ادامه به‌نوعی اعتراض خود را بیان می‌کند و می‌گوید: «هیچ‌کس تاکنون پی نبرده است به این که این ارادهٔ آسمانی کی به ظهور خواهد پیوست. حال باید اثر این جواب کاملاً شرقی را در وجود کسی که به‌حق دلواپس کار خود می‌باشد سنجید زیرا به‌هیچ‌وجه نمی‌فهمم چرا باید تسلیم حرف باشم و در صدد فرار از خطر برنایم» (همان). در دو رمان مذکور بیشترین مواردی که مورد هجو و انتقاد نویسندگان واقع شده است، مذهب، اخلاقیات و آداب و رسوم مردم است.

پ. ۱.۳. خرافات و مذهب

«فیلسوف سرشناس ارنست هگل، در خصوص پیدایش خرافات و افسانه‌ها نزد اقوام اولیه بشر معتقد است که مبدأ و اصول آن‌ها هم از یک نیاز طبیعی ناشی می‌شود که به‌صورت اصل علت و معلول در قوانین عقلانی بروز کرده است» (هدایت، ۱۳۷۸: ۲۲). دسته‌ای از خرافات نیز در اثر اختراع و تحمیل افسانه‌سرا، حدیث و اخبارنویس و منجم و پیشگو، جادوگر و دعانویس که به چشم عوام دارای قدر و منزلت بوده‌اند، برای استفاده‌های شخصی و یا تفریح و جهالت و نادانی، خرافات را وضع کرده‌اند (همان: ۱۷). خرافات سخنان پریشان و نامربوط، سخنان بیهوده و پریشان که خوش‌آیند باشند و سخنان خوش‌پریشان می‌باشد (دهخدا، ۱۳۷۷: ذیل خرافه). خرافات در هر دو رمان سرگذشت حاجی

بابای اصفهانی و سیاحت درویشی دروغین بیشترین بسامد را دارد به طوری که نشان می‌دهد ایرانیان در آن زمان به شدت گرفتار باورهای خرافی بودند. در رمان حاجی بابای اصفهانی یکی از ریش‌سفیدان قبیله دربارهٔ زمان خون گرفتن این‌گونه حکم می‌دهد که: «در فلان وقت سَکِزِیلِدیز در تحت الارض است و در برج سنبله قران مریخ و زهره واقع، خون گرفتن را نیک شاید» (موریه، ۱۳۹۳: ۲۹) و همچنین برای سودجویی بیشتر خرافه و مذهب را با هم ادغام می‌کردند، به طوری که می‌گویند: «این نکول معقول نیست. به علم الهی گذشته که خون تو امروز ریخته شود. اگر ریخته نشود، لازم می‌آید علم خدا جهل شود. پس باید خون تو امروز ریخته شود» (همان: ۳۱).

به همین صورت در رمان سیاحت درویشی دروغین وامبری از خرافاتی می‌گوید که مردم با این عقاید زندگی می‌کنند که بیشتر این خرافات نتیجه نسخه جادوگران و دعانویسان است. وامبری از شخصی به نام یعقوب می‌گوید که عاشق دختری است و او اعتنایی به یعقوب ندارد و یک نفر یهودی که جادوگر کاملی است برای علاج کارش نسخه مؤثری داده است. «به شرط آن که برایش سی قطره عطر یا جوهر گل سرخی که مستقیماً از مکه آمده باشد ببرم» (وامبری، ۱۳۸۷: ۵۶). درویش دروغین می‌گوید: «غالباً یکی دو نفر از آن‌ها (مردم) جلوی منزل من می‌ایستادند و کمی خاک شفا (گرد سلامتی) یا نفس (دم مقدس) برای معالجهٔ امراض واقعی یا خیالی خود مطالبه می‌کردند» (همان: ۱۸۲).

وامبری در برگشت از حج بسیار متعجب بود از جماعت جوانان و پیران، اعم از زن و مرد، فقیر و غنی که آرزو داشتند با حاجی‌ها که هنوز گردوغبار مقدس مکه و مدینه از تنشان زائل نشده تماس بگیرند (همان: ۷۰). او در جایی از سفرش بعد از عبور از لجن‌زارها و باتلاق‌ها و فرار دسته‌گراهای وحشی به قول خان- می‌گوید: «باید خیلی خوشوقت باشم از اینکه از مرگ ننگین نجات پیدا کرده‌ام زیرا یک نفر مسلمان هر قدر هم مقدس باشد اگر به وسیلهٔ حیوانی از جنس خوک کشته شود نجس وارد آن دنیا می‌شود و صدسال توقف در برزخ هم کافی نیست که پلیدی او را از بین ببرد» (همان: ۱۰۸-۱۰۷).

پ. ۴. حيله و فریب

در رمان‌های پیکارسک، پیکار و زندگی‌اش را بیشتر از راه حقه‌بازی و حيله‌گری و رندی می‌گذراند تا کار. «آنچه به داستان‌های پیکارسک گیرایی و کشش می‌بخشد،

مجموعه نیرنگ‌ها و حیل‌ها و ترفندهای پیکاروست» (تراویک، ۱۳۷۳: ۵۶۷). حیل‌گری و فریب‌کاری از رذایل اخلاقی است که در ادیان مختلف مورد نکوهش قرار گرفته است؛ اما این رذیله برای گروهی فضیلت محسوب می‌شود و برای پیشبرد اهدافشان از فریب‌کاری و حیل‌گری سود می‌برند، این رذایل اخلاقی از نظر سیاحان ایران‌گرد، دور نمانده و موریه و وامبری این رذایل را در ایرانیان این‌گونه بیان می‌کنند؛ موریه در سرگذشت حاجی بابای اصفهانی وقتی حاجی‌بابا را برای مداوای زنی به چادر او می‌برند برای رهایی از ریختن خون زن بر روی زمین حیل‌ای می‌اندیشد: «به برکت خاک پاک، تدبیری به خاطر اندیشناک رسید که پنداشتم به حصول مراد بسیار موافق است. بار دیگر، تفکرکنان، نبض بانو را بگرفتم و سرجنبانان گفتم: خستگی بانو سنگین و بیچاپیچ می‌نماید. خون او به زمین ریختن نشاید، باید او را در ظرفی نگاه دارم تا در وقت فراغت نیک به نظر آرم و اساس کار خود بر آن نهم» (موریه، ۱۳۹۳: ۳۰) و یا وقتی حاجی‌بابا از قلیان فروشی خود و دوستی‌اش با قلندری درویش سفر نام می‌گوید، می‌بینیم که او با هیئت عجیب‌وغریب و هیکل قوی آن‌همه آرایش و پیرایه را برای فریب مردمان سست‌مایه بر خود بسته است (همان: ۵۹).

وامبری نیز در هیئت یک درویش دروغین بسیار از فریب و حیل‌ها در سفرش استفاده کرده است. در بازرسی‌ها خود را به خواب می‌زد و جایی شنیده بود: «نگاه کنید این حاجی چه پوست سفیدی دارد. بدون شک این اشاره به من بود و اگر اشتباه نکنم تنها موردی بود که نسبتاً متمدنم جلب انظار را نمود. همین‌که یعقوب مرخص شد از کشتی روس‌ها دور شدیم و من که تا آن وقت به جلو خم شده و خود را تقریباً به خواب زده بودم آهی از روی رضایت کشیده و راست نشستم» (وامبری، ۱۳۸۷: ۶۶) وی وقتی مانند درویش‌ها دعای خیر می‌خواند، نسخه‌هایی به‌عنوان طلسم به متقاضی می‌داد و در ازای آن مردم به وی پیشکش می‌دادند. «هرروز صبح عده‌ای مریض به‌سوی من هجوم می‌آوردند و من برای آن‌ها تصادفاً گاهی دعای خیر و بعضی اوقات نفس حق می‌کشیدم و گاهی هم نسخه‌هایی به‌عنوان طلسم با خط خودم به آن‌ها می‌دادم» (همان: ۷۷).

تظاهر به دین‌داری یکی از روش‌های ناپسند در تمام جوامع بشری است و از مؤلفه‌های رمان‌های پیکارسک به شمار می‌آید که می‌توان گفت به‌نوعی حيله و نیرنگ است تا اعتماد مردم عادی را به خود جلب کنند. حاجی بابای اصفهانی در شرح احوالات پدر خود می‌گوید: «پدرم برای تأکید دین‌داری خویش، به قول خود، سرش را قریباً الی الله می‌تراشید» (موریه، ۱۳۹۳: ۱۸). حاجی‌بابا در اولین سفرش دربارهٔ عثمان آقا می‌گوید: «باینکه خود شراب پنهان می‌خورد، آشکارا شراب‌خوارگان را لعن می‌گفت. باین‌همه دلق و حلقش به‌جا، دیگش همیشه در جوش و قلیانش همیشه در خروش بود» (همان: ۲۰). او نمایی از مردم روزگار خویش را بازگو می‌کند.

وامبری در مورد هم‌سفران به‌ظاهر مذهبی‌اش می‌گوید: «به نظر من این‌ها به ماجراجویانی که به طرز عجیبی تغییر شکل داده باشند بیشتر شبیه بودند تا به زواری که از فکر مذهبی و مقدسی تبعیت کنند» (وامبری، ۱۳۸۷: ۳۳) و یا در جایی می‌گوید: «دوستانم بیهوده سعی می‌کردند مرا متقاعد کنند که سرپوش مذهبی هم‌قطاران جدیدم فقط برای رد گم کردن و استتار فساد حقیقی اخلاقتان می‌باشد» (همان: ۳۶).

نماز خواندن وامبری به تقلید از حاجی بلال نیز یکی از موارد تظاهر به دین‌داری است، وامبری می‌گوید: «بعد از غذا نوبت نماز شد و حاجی بلال آغاز آن را به عهده گرفت و اندکی بعد موقعی که بسم‌الله و الله‌اکبر را ادا می‌کرد ما هم از او تقلید کردیم و بعد درحالی‌که دست بر ریش خود می‌کشید از طرف هم‌قطاران از خان جان تشکر به عمل آورد» (همان: ۷۴).

پ. ۵. هوش و ذکاوت

یکی از مؤلفه‌های رمان پیکارسک، داشتن هوش و ذکاوت بالای قهرمان اثر است. در رمان‌های موردبررسی نیز هم حاجی بابای اصفهانی و هم وامبری دارای هوش و ذکاوت بالایی بودند که از راه‌های گوناگون از جمله فریب و حيله کار خود را پیش می‌بردند. به‌عنوان نمونه حاجی بابای اصفهانی برای این که بعد از نسق‌چی شدن صاحب وسایل خانه شود با تدابیر مختلف صاحب کلی وسیله شد که به قول خودش «اندکی پس‌از آن، این قدر خرت‌وپرت جمع کردم که به زحمت سیاهه گرفتن می‌ارزید» (موریه، ۱۳۹۳: ۱۵۲). وامبری شخصی باهوش بود وی چندین زبان می‌دانست و به‌سرعت توانست خود را در میان ترکان

و همچنین در میان مردمان آسیای میانه جای کند (وامبری، ۱۳۹۳: ۱۲).

پ. ۶. درویشی و تکدی‌گری

"ابوالحسن خرقانی" (به نقل از تذکره‌الاولیا) در تعریف درویش گفته است: درویش کسی بود که او را دنیا و آخرت نبود و نه در هر دو نیز رغبت کند که دنیا و آخرت از آن حقیرترند که ایشان را با دل نسبت بود (نوربخش، ۱۳۸۵: ۵۶). درویشی مقامی بس رفیع در بین اهل تصوف دارد اما در دو رمان سرگذشت حاجی بابای اصفهانی و سیاحت درویشی دروغین، درویشی برای حفظ ظاهر و فریب مردم به کار گرفته شده است. حاجی بابا پس از سخنان درویش و تصدیق و اصرار اطرافیان که از قلیان فروشی دست بردار و به طریقت ما که معتبرتر و بلندتر از آن است پا گذار، مشتاق درویشی شد (موریه، ۱۳۹۳: ۶۰). وامبری در کتاب سیاحت درویشی دروغین دربارهٔ درویشی خود چنین می‌گوید: «تحقیقات نجومی و زمین‌شناسی کار من نبود و گذشته از آن با شیوهٔ درویشی که اختیار کرده بودم چنین کاری غیرممکن می‌بود» (وامبری، ۱۳۹۳: ۱۲).

تکدی یکی دیگر از مؤلفه‌های رمان‌هایی است که به شیوهٔ پیکارسک نگاشته می‌شوند در قسمتی از رمان حاجی بابا آمده است که می‌گوید که «از درپوزه عارم آمد» (موریه، ۱۳۹۳: ۵۸) و گویا این کار را انجام نداده است؛ اما وامبری دربارهٔ گدایی کردنش می‌گوید: «خوشبختانه اجازه دادند گشت‌هایی برای گدایی بزنیم. ترکمن‌های اترک که در دزدی دست کمی از دیگران ندارند از دیگران هم با سخاوت‌تر بودند» (وامبری، ۱۳۸۷: ۱۱۳). در جدول زیر صفحاتی که مؤلفه‌های پیکارسک بیشترین بسامد را در دو رمان مذکور دارا بودند آورده شده است.

مؤلفه‌های پیکارسک	رمان حاجی بابای اصفهانی (شماره صفحات)	رمان سیاحت درویشی دروغین (شماره صفحات)
حیله و فریب و تظاهر به دین‌داری	۱۰،۳۰،۴۹،۵۹،۶۰،۶۴،۶۵،۷۲،۸۶،۲۷۷	:۲۲،۳۰،۳۱،۳۲،۳۴،۴۶،۵۰،۵۲،۵۵،۶۱،۸۴،۹۵،۱۰۴،۱۱۰،۱۱۳؛ ۱۱۸،۱۲۳،۱۳۱،۱۷۱،۱۷۶،۱۸۱،۱۸۳،۲۳۸،۲۴۹،۲۹۲،۲۹۷،۳۰۵
هجو و انتقاد	۱۸،۲۰،۲۴،۶۵،۶۹،۱۰۳،۲۰۹،۲	۳۳،۴۵،۵۲،۷۴،۸۶،۱۳۷،۱۷۵،۱۸۰،۲۵۰،۲۵۴،۲۷۴،۲۸۹،۳۴۹، ۳۵۶،۴۹۴،۴۹۵
	۱۹،۲۹،۳۱،۳۲،۵۴،۵۵،۶۳،۶۹،۷	۳۶،۴۳،۵۷،۷۰،۷۸،۸۲،۸۴،۸۶،۸۹،۳۹،۹۶،۱۰۸،۱۲۴،۱۴۹،۱۵۰

و خرافات و مذهب	۲،۱۶۸،۲۷۳،۳۳۳	۱۵۵،۱۵۸ ۱۶۴،۱۶۵،۱۶۹،۱۷۳،۱۸۲،۱۸۴،۱۹۰،۱۹۳،۲۰۰،۲۰۲،۲۰۸،۲۲۹،۲۳۷،۲۴۸ ۲۶۱،۲۶۲،۲۷۷،۲۸۲،۲۹۹،۳۰۵،۳۰۶،۳۴۱،۳۹۶
تکدی‌گری و درویشی	۶۵،۶۹،۲۲۷،۲۲۹	۱۷،۲۱،۲۲،۴۴،۵۵،۷۴،۷۷،۹۴،۱۲۱،۱۹۴،۱۹۹،۲۰۰،۲۰۱،۲۰۲،۲۰۷،۳۰۹،۳۲۳،۳۶۸
هوش و ذکاوت	۱۵۱،۳۰۵	۳۳،۵۱،۵۵،۱۲۴،۱۵۹،۱۷۶،۱۹۴،۲۴۱،۲۴۲،۲۸۵،۲۹۰،۳۲۶،۳۷۳،۴۹۴
واقع‌گرایی، سفر	به‌طورکلی موضوع رمان واقعی است و به‌صورت سفرنامه و سرشار از هجو و انتقاد است.	به‌طورکلی موضوع رمان واقعی است و به‌صورت سفرنامه و سرشار از هجو و انتقاد است.

نتیجه‌گیری

بررسی مؤلفه‌های پیکارسک در دو رمان سرگذشت حاجی بابای اصفهانی نوشتهٔ جیمز موریه و سیاحت درویشی دروغین نوشتهٔ آرمینیوس وامبری نشان داد این دو رمان دارای پیوندهای مشترکی با هم هستند؛ از جمله حلقه‌های کانونی در این رمان‌ها: واقع‌گرایی، سفر، هجو و انتقاد است. سفرنامه بودن رمان‌ها باعث شده است که قهرمانان این داستان‌ها در طی سفرهای واقعی که انجام می‌دهند با وقایع گوناگون و غیرمنتظره‌ای روبرو شوند، همچنین به طیف‌های گوناگونی از مردم برمی‌خورند و همین امر زمینهٔ هجو و انتقاد از مردم و هم‌چنین اجتماع آنان را فراهم می‌کند. قهرمان این‌گونه داستان‌ها معمولاً با چهره‌های دروغین و با حیله و نیرنگ و ابزارهایی چون خرافات نظر مردم ناآگاه را به خود جلب می‌کند و به انتقاد از جامعه‌ای که سرشار از فقر و فساد است می‌پردازد. آنچه قهرمانان این داستان‌ها را به هدفشان نزدیک می‌کند فصاحت و سخنوری این قهرمانان است. همچون حاجی بابای اصفهانی و وامبری که توانستند با سخنوری و در لباس درویشی و با عوام-فریبی و حیله و نیرنگ اعتماد مردم را جلب کنند و بعد همین مردم ساده‌دست مایهٔ اصلی داستان‌های آن‌ها می‌شوند و به تمسخر گرفته می‌شوند. از دستاوردهای مهم این رمان‌ها می‌توان به فراوانی بالای مؤلفهٔ «حیله و فریب» در این دو اثر اشاره کرد که «تظاهر به دین‌داری» نیز جزئی از آن محسوب می‌شود. «هجو و انتقاد» به سبک زندگی مردم و

آداب و رسومشان و خرافه‌گویی در زیر لوای دین بسیار مورد توجه نویسندگان این دو اثر بوده است. «سفر» مؤلفهٔ اصلی این گونه رمان‌هاست؛ به نوعی این رمان‌ها گزارش سفر هستند با تمام جزئیات و غرض‌ورزی نویسندگانشان.

منابع

الف. کتاب‌ها

۱. آریان‌پورکاشانی، عباس. (۱۳۷۴). فرهنگ دانشگاهی انگلیسی فارسی. چاپ پانزدهم. تهران: امیرکبیر.
۲. آریان‌پور، یحیی. (۱۳۸۷). از صبا تا نیما، ج ۱، تهران: زوار.
۳. آدمیت، فریدون. (۱۳۵۷). اندیشه‌های میرزا آقاخان کرمانی. تهران: پیام.
۴. بی‌نام، (۱۳۹۱). عصاکش تُرمسی، اولین اثر پیکارسک جهان. ترجمه وحید خدادادی. قم: آراسته.
۵. پیرزاده نائینی، محمدعلی بن محمد اسماعیل. (۱۳۴۲). سفرنامه حاجی پیرزاده. تهران: چاپ حافظ.
۶. تراویک، باکتر. (۱۳۷۳). تاریخ ادبیات جهان. ج اول. ترجمهٔ عرب علی رضایی. تهران: مرکز.
۷. جمال زاده، سید محمدعلی. (۱۳۷۸). برگزیده آثار به کوشش علی دهباشی. تهران: سخن.
۸. ژنه لوساز، آلن. (۱۳۷۷). سرگذشت ژیل بلاس. ترجمهٔ میرزا حبیب اصفهانی. به کوشش غلامحسین میرزا صالح. تهران: معین مازیار.
۹. داد، سیما. (۱۳۷۸). فرهنگ اصطلاحات ادبی. تهران: مروارید.
۱۰. دهخدا، علی‌اکبر. (۱۳۷۷). لغت‌نامه. ج ۲۰. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
۱۱. سلیمانی، حسن. (۱۳۶۶). رمان چیست؟ چاپ چهارم. تهران: برگ.
۱۲. سبیر، هری. (۱۳۸۹). پیکارسک (داستان قلاشان). از مجموعه مکتب‌ها، سبک‌ها و اصطلاح‌های ادبی و هنری. ترجمهٔ فرزانه طاهری. تهران: مرکز.
۱۳. موریه، جیمز. (۱۳۹۳). سرگذشت حاجی بابای اصفهانی. ترجمهٔ میرزا حبیب اصفهانی. ویرایش جعفر مدرس صادقی. تهران: مرکز.
۱۴. میر صادقی، جمال. (۱۳۷۷). واژه‌نامه هنر داستان‌نویسی. چاپ چهارم. تهران: مهناز.
۱۵. نوربخش، جواد. (۱۳۸۵). ابوالحسن خرقانی، لندن، انتشارات خانقاه نعمت الهی.
۱۶. وامبری، آرمینیوس. (۱۳۸۷). سیاحت درویشی دروغین در خانات آسیای میانه. ترجمهٔ فتحعلی خواجه نوری. تهران: علمی فرهنگی.
۱۷. هدایت، صادق. (۱۳۸۸). فرهنگ عامیانه مردم ایران. تهران: نشر چشمه.

ب. مقاله‌ها

۱۸. بوبانی، فرزاد. (۱۳۸۷). «جیمز موریه و ادبیات استعماری»، مجله پژوهش‌های زبان خارجی. شماره ۴۳، صص ۲۷-۵.
۱۹. تفرشی، مجید. (۱۳۹۲). «سیاحت‌درویش‌دروغین». (آرشیو ملی بریتانیا). روزنامه جام‌جم، شماره ۲۸، آذرماه.

۲۰. شریف پور، عنایت‌الله؛ بصیری، محمدصادق؛ پوریزدان پناه، آرزو. (۱۳۹۴). «عناصر بینامتنیت در روایات پیکار سک و مقامات». پژوهشنامه نقد ادبی و بلاغت. سال چهارم، شماره دو، صص ۱۵۳-۱۷۱.
۲۱. نجومیان، امیرعلی. (۱۳۹۱). «به سوی تعریفی تازه از ادبیات تطبیقی و نقد تطبیقی». پژوهش‌های ادبی، فصلنامه علمی - پژوهشی انجمن زبان و ادبیات فارسی. سال نهم، شماره سی و هشتم، زمستان ۱۳۹۱.

منبع لاتین

۲۲. Wicks, Ulrich. (۱۹۷۴). The Nature of picaresque Narrative. Publication of the modern language association. ۸۹. pp. ۹-۲۴۰.

